۱ متن سرود ستاره اشک

سلام ای خانمی که توی دنیا
نبی با خنده‌ات خوشحال می‌شد
تو می‌خندیدی و شهر مدینه
پر از پرواز و بوی بال می‌شد

سلام ای خانمی که در شب تار
تو ماه حیدر کرار بودی
برای حضرت مولا همیشه
تو یاور بودی و غمخوار بودی

سلام ای یاس خوشبوی محمد
سلام ای سوره‌ی زیبای کوثر
برای حضرت خاتم همیشه
تو دختر بودی و همراه و مادر

مگر تو جان پیغمبر نبودی؟
مگر تو سوره ی کوثر نبودی؟

سلام ای خسته از غم های عالم
سلام ای شاخه‌ی یاس شکسته
الهی بشکند دستی که ردش
به روی صورت ماهت نشسته

تو تنها بودی و یک غنچه ی ناز
که آتش آمد و در ناگهان سوخت
تو پهلویت شکست و غنچه پژمرد
ازاین غصه دل هفت آسمان سوخت

سلام ای مادری که مهربانی
به روی دامن تو جان گرفته
تمام شهر با یاد تو امروز
دوباره رنگی از ایمان گرفته

صدای حضرت حیدر شدی تو
فدای حضرت حیدر شدی تو

به یاد غصه‌هایت مادر آب
شکسته قلب شهر ما دوباره
به یاد روضه‌های خانه‌ی تو
چکیده از دو چشم ما ستاره

دعای ما تمام روز و شب‌ها
برای حضرت صاحب زمان است
ظهورش آرزوی کل عالم
دعای بچه و پیر و جوان است

می آید آخرین منجی عالم
برای تو حرم می‌سازد آقا
برای دیدن صحن و سرایت
می‌آید زائر از هر جای دنیا

چرا مردم تو را یاری نکردند
برای حیدرت کاری نکردند